شماره فاکس: Fax: 0049 - 221 - 331 82 90

شماره پیام‌گیر: 9322136 ö 221 ö 0049

تک فروشی: ۲/۲۰ یورو
بهای اشتراک: شش ماهه ۳۰ یورو؛ یک ساله ۶۰ یورو

Verleger: I.G.e.v

دارنده حساب: I.G.e.v
شماره حساب: 22 44 20 32
کد بانک: 37 05 01 98
نام بانک: Stadtsparkasse Koeln

آدرس: I.G.e.v
Postfach 260268
50515 Koeln
Germany

چهارشنبه ۱۲ مرداد ۱۳۸۲ - ۳ سپتامبر ۲۰۰۳ دوره سوم - شماره ۳۰۹
KAR - No. 309 Wednesday 3. Sep. 2003
G 21170 D

آدرس کار در اینترنت: http://www.fadai.org
آدرس پست الکترونیکی: kar-aksaryat@gmx.de

فرم درخواست اشتراک

اشتراک جدید □ تمدید اشتراک □ شماره اشتراک:

مدت اشتراک: شش ماهه □ یک ساله □ تاریخ:

نام:.....

نشانی:.....

.....

.....

فرم را همراه با بهای اشتراک (حواله بانکی یا تمبر)

به آدرس پست کنید!

شمال بذر گرسنگی می‌کارد

برگرفته از هفته‌نامه «دی تسایت»

نوشته: ولفگانگ اوخاتیوس

برگردان: محمود صالحی

پنبه بورکینافاسو بهتر از پنبه آمریکا است و خیلی هم ارزانتر. با این حال کشاورزان آمریکایی بر بازار جهانی تسلط دارند. درسی از تاثیرات جهانی سوبسیدهای کشاورزی.

* * *

در روزهای آغازین ماه مه باران بر سرزمین ایستادگان بارید و باران سرآغاز زندگی است. هفت ماه آفتاب شیره زمین را مکید؛ درختان برگ‌هایشان را از دست دادند و علفزارها رنگ باختند. مردها در کنار کلبه‌های کاهگلی‌شان می‌نشستند و باد گرد و غبار را بر چهره‌شان می‌راند تا اینکه بالاخره باران باریدنش گرفت و زندگی دوباره بازگشت.

با ابزار آفریقا، بیل سرکج و دسته کوتاه و شخمی که با گاو لاغر اندام کشیده می‌شود، پریاتی دابو زمین را می‌شکافد. دابو کشاورز ۲۸ ساله‌ای است که شب‌ها غذایش ذرت کوبیده است و روی زمین می‌خوابد. او روزها بر روی زمینش کار می‌کند. دابو افسار گاو را در دست دارد و برادرانش شخم را هدایت می‌کنند و زنان و بچه‌ها هم بی توجه به پشه‌های مالاریا بذر می‌افشانند.

دابو به آسمان نگاه می‌کند و می‌گوید: ابرهای خوبی هستند. امسال باران زود بارید و تا چند ماه دیگر بته‌ها به اندازه قد یک آدم خواهند شد و مانند برف، پنبه رنگ زمین را سفید خواهد کرد. روزها و هفته‌ها مردان، زنان و کودکان پنبه‌ها را می‌چینند، پنبه‌ای که ماده خام پیراهن، شلوار، کت، ملافه و جوراب جهان است. محصول سال ۲۰۰۳ کشور کوچکی که نام آن بورکینا فاسو (سرزمین ایستادگان) است، محصول خوبی خواهد بود.

اما برای محصولش پولی نصیب دابو نخواهد شد.

روز ۱۳ مه سال ۲۰۰۲، صبح زود در ثروتمندترین کشور جهان قوی‌ترین مرد دنیا خودنویسی را در دست می‌گیرد. جرج دبلیو بوش در اتاق ۴۵۰ ساختمان اداری آیزن‌هاور سخنرانی کوتاهی ایراد می‌کند. چندتا چوک می‌گوید و «فارم بیل» قانون جدید کشاورزی ایالات متحده را امضا می‌کند. با این امضا، او ۱۸۰ میلیارد دلار بعنوان سوبسید برای کشاورزان آمریکایی هزینه می‌کند. اکنون آنان می‌توانند روی چندین میلیارد دلار سالانه حساب کنند.

در این روز بوش می‌گوید: «فارم بیل به کشاورزان آمریکا کمک می‌کند و به همین دلیل برای آمریکا خوب است» و رادیو «فارم» هم سخنان او را مستقیماً تا تکزاس، جورجیا و آلاباما آنجا که مزارع پنبه آمریکا قرار دارند پخش می‌کند. آنجا که مردان با ابزار آمریکا: ماشین‌های جمع‌آوری محصول که به بزرگی تانک هستند و تراکتورهایی که با کامپیوتر هدایت می‌شوند، به مزارع می‌روند. ماشین‌آلات عجیب و غریب این احساس را تداعی می‌کنند که کشت پنبه سودآور است.

در یک بازار آزاد جهانی کشاورزان آمریکایی در مقابل کشاورزان آفریقایی هیچ شانسی ندارند. تولید اتومبیل و کامپیوتر آفریقایی‌ها خوب نیست، اما آنها می‌توانند پنبه بسیار ارزان تولید کنند. هنوز هم ارزان‌ترین ابزار تولید در کشاورزی نیروی کار انسان می‌باشد. انسانی که مصرف روزانه‌اش دو کاسه ذرت کوبیده است. بنابر ارزیابی «کمیته بین‌المللی پنبه» (ICAC) تولید پنبه کشاورزان بورکینا فاسو سه‌برابر ارزانتر از کشاورزان آمریکایی است و بخاطر اینکه در بورکینا فاسو پنبه با دست چیده می‌شود، کیفیت آن هم نسبت به پنبه آمریکایی بهتر است.

ساعت ۷/۵۷ پرزیدنت بوش با خودنویس‌اش قانون را امضا و دولت هم پرداخت خواهد کرد. در کمتر از یک ثانیه جرج بوش پرده دیگری به داستان درامایتکی که جهانی شدن نام گرفته افزود.

با این همدایای دولتی شرکت‌های آمریکایی بیش از هر زمان و هر کشور دیگری و حتی بیشتر از احتیاج صنایع نساجی سراسر جهان، کتان صادر می‌کنند.

تولید مازاد بر مصرف یک نتیجه خیلی ساده اقتصادی به همراه دارد. قیمت پنبه در سراسر جهان سقوط می‌کند. در تابستان سال ۱۹۹۵ بهای هر پوند پنبه (۵۰۰گرم) بیش از یک دلار بود، بعد به ۹۰، ۸۰، ۶۰ و ۵۰ سنت سقوط کرد. اواخر سال ۲۰۰۱ به زیر ۴۰ سنت رسید که طی ۷۰ سال گذشته و حتی در دوران بحران اقتصادی جهانی در دهه ۲۰ بی‌سابقه بوده است. طبق تخمین (ICAC) بهای پنبه طی سالهای آینده نیز بطور میانگین بیشتر از ۷۰ سنت نخواهد شد.

این وضعیت برای تمام پنبه‌کاران جهان مثل این است که یک نیروی ناشناخته و یا یک غولی، نیمی از درآمد آنان را بلعیده است. اما ۲۵هزار پنبه‌کار آمریکایی هیچ نگرانی ندارند. هرچند آنان مسبب سقوط بهای پنبه هستند، دغدغه خاطری ندارند و سوبسیدشان را دریافت می‌کنند. سال ۲۰۰۲ بیش از ۳/۹ میلیارد دلار بود که میزان آن و برابر سال ۹۲ و بیش از سه برابر تمامی کمک‌های آمریکا برای توسعه اقتصادی به ۵۰۰ میلیون آفریقایی است.

بورکینا فاسو کشوری در مجاورت صحرای بزرگ است. از شمال شن‌های روان زمین‌های حاصلخیز را می‌بلعند و آنگاه زمان رفتن برای انسان‌ها فرا می‌رسد. هرچند بورکینا فاسو کشور کوچکی است، اما در آن مرزهای زمانی متعددی وجود دارند. در پایتخت آن اواگادوگو از یک سو کاخ ریاست جمهوری، فستیوال فیلم‌های آفریقایی که هر دوسال یکبار برگزار می‌شود و رستوران‌هایی که در آن قیمت غذا برابر رستوران‌های اروپایی است و تجار فرانسوی با لپ‌تاپ (کامپیوتر همراه) به صرف غذا مشغولند، وجود دارد.

از سوی دیگر دایوی دهقان اما در قرن ۱۹ زندگی می‌کند. در دنیای او میانگین عمر انسان ۴۶ سال است و از هر ۱۰ بچه سه‌تای آن تا قبل از پنج سالگی می‌میرند. دنیایی که در آن تمام تلاش انسان‌ها به زنده‌ماندن خلاصه می‌شود.

پنبه که زمانی توسط استعمارگران وارد بورکینا فاسو شد، برخلاف چند تا تخم‌مرغ و مقداری سبزی که بچه‌ها در کنار جاده سعی به فروش آن دارند، تنها کالایی است که می‌شود آن را کیلو، کیلو و در کیسه‌های بزرگی که توسط کامیون‌های شرکت نیمه دولتی سوفیتکس حمل می‌شوند در بازار به خوبی بفروش رساند.

کارمندان شرکت سوفیتکس پنبه را در مزارع می‌خرند و به خارج صادر می‌کنند. اگر قیمت آن در بازار جهانی خوب باشد، پول خوبی به دهقانان می‌پردازند. در حال حاضر قیمت آن خیلی نازل است. و بدین گونه رابطه بین قرن ۲۱ و قرن ۱۹، رابطه بین جرج‌بوش هنگامی که قانون بیل را امضا می‌کرد و به فکر آمریکا بود و دابوی دهقان که بهای نازل پنبه برایش مثل خشکسالی غیر قابل فهم است برقرار می‌شود.

دابوی دهقان لاغر اندام است و چنه کوچکی دارد. او تی‌شرت زرد رنگ و یک شلوار سوراخ سوراخ لی برتن دارد که شاید از پنبه آفریقایی در آمریکای لاتین و یا آسیا دوخته شده. لباس‌های دسته‌دومی که از آمریکا و یا اروپا وارد بورکینا فاسو می‌شوند و انسان‌هایی مثل دابو که فامیل بزرگ ۳۰ نفره دارد و جشن ماسک برگزار می‌کنند و به اجداد درگذشته‌اشان احترام می‌گزارند و در دوران ماقبل سرمایه‌داری زندگی می‌کنند اما وابستگی شدیدی به پول دارند. این لباس‌ها را برتن می‌کنند.

از آن پولی که دابو از طریق فروش پنبه بدست می‌آورد پس از پرداخت قرض‌هایش برای بذر و کود و سم تقریباً ۳۰۰ هزار فرانک آفریقایی برابر با روزی ۱/۲ یورو برایش باقی می‌ماند که با آن خرج خانواده و پول مدرسه و داروی بچه‌ها که از اسهال و مالاریا در رنج‌اند را می‌پردازد و اگر هم چیزی باقی بماند هر چند وقت یکبار عصرها با مردان دیگر به کافه برود.

اواسط دهه نود، هنگامی که بهای پنبه بالا بود بر اساس گزارش سازمان بهداشت جهانی میزان فقر در روستاها ۱۰درصد کاهش یافت. این پول نه‌تنها خانواده دهقانان بلکه خرج افراد دیگری مثل نابره تارو که یک کافه دارد و کوکاکولا و غذا می‌فروشد و یا کوتاته آهنگر که با غرور دستگاه خودساخته بذرکارش را نشان می‌دهد تامین می‌کرد.

با این پول حتی یک مدرسه با دیوار بتنی به رنگ زرد و نارنجی ساختند. دو اتاقش تمام شد و وقتی بهای پنبه سقوط کرد برای اتاق سوم پولشان کم آمد. حداقل بچه‌ها حالا دیگر برای به مدرسه رفتن نباید ساعت‌ها و کیلومترها پیاده‌روی کنند.

چند سال پیش فرانکوییس تراوره فهمید که بازار جهانی برخلاف وضع هوا توسط انسانها ساخته شده. برای او تا قبل از آن «آمریکایی» انسانهای سفیدپوستی بودند که با لندرور به دهات می‌آمدند و به دهقانان یاد می‌دادند که چگونه بهتر پنبه بکارند. امروز او ۵۰ ساله‌است و در کنفرانس‌های واشنگتن، پاریس و برلین سخنرانی کرده است. او راننده دارد و مشاوری که اقتصاد تحصیل کرده. دفتر کارش در شهر است و هر چند لحظه یکبار تلفن همراش به صدا درمی‌آید. فرانکوییس تراوره ۱۵۰ سال جهش کرده است.

فرانکوییس ۱۶ ساله بود که پدرش کور شد و او سکان فامیل را بدست گرفت، آنقدر در صحرای ساوان گشت تا قطعه زمینی یافت و شروع به پنبه‌کاری کرد. او به چشمان قرمزش اشاره می‌کند که نتیجه بی‌خوابی است. او هنوز هم کشاورز است اما نحوه صحبت‌کردن نشان می‌دهد که او می‌خواهد سیاست‌گذاری کند.

فرانکوییس تراوره اولین رئیس اتحادیه پنبه‌کاران بورکینا فاسو است. او که شش سال بیشتر به مدرسه نرفته برایش غیر قابل تحمل بوده که در کشوری که از هر ۵ نفر یک نفر آن به پنبه‌کاری مشغول است پشتیبانی سیاسی نداشته باشد. او به همراه پنبه‌کاران کشورهای مالی، بنین و چاد قطعنامه‌ای نوشتند و در آن خواستار قطع سوبسیدها شدند. این قطعنامه را یک مسیونر فرانسوی در اینترنت قرار داد که مورد پشتیبانی بین‌المللی قرار گرفت. بر اساس تخمین بانک جهانی اگر آمریکایی‌ها سوبسیدهایشان را قطع‌کنند بر بهای پنبه ۲۵ درصد افزوده خواهد شد.

فرانکوییس تراوره از هم‌اکنون به دوران پس از قطع سوبسیدها می‌اندیشد و می‌پرسد: قیمت پیراهن شما چقدر است؟ شاید ۳۰ یورو.

او می‌گوید: «ببینید، وزن پیراهن شما ۲۰۰گرم است. یعنی ۲۰۰گرم پنبه. قیمت آن در بازار جهانی ۲۵ سنت و بدون سوبسید شاید ۳۲ سنت باشد که کمک بزرگی به دهقانان است. اما اگر بخواهیم درآمد درست و حسابی داشته باشیم باید نه تنها پنبه، بلکه پیراهن را هم در بورکینا فاسو تولید کنیم».

این راه ورود به قرن ۲۱ است.

اواسط ژوئن سال ۲۰۰۳ مردی با کت و شلوار و کراوات سوار هواپیما شد و از آفریقا به اروپا پرواز کرد. او در اروپا ناشناخته است اما در موطن‌اش هر بچه‌ای او را می‌شناسد و عکس‌اش در اتاق هر کارمند دولت آویزان است. در شهر ژنو او رئیس یک دولت آفریقایی بیش نیست که خبرنگاران قبل از ملاقات تامش را روی یک برگه کاغذ می‌نویسند: بسلایس کومپاوره. رئیس جمهور بورکینا فاسو که قبلا ولتای اولیا نامیده می‌شد.

او در بین مردمش محبوبیت ندارد. ۲۰ سال پیش وقتی که توماس سانکارا رئیس جمهور پیشین و قهرمان مردم به‌قتل رسید، او قدرت را بدست گرفت. در بورکینا فاسو همه می‌دانند که احتمالا کومپاوره که قبلا وزیر دادگستری بود فرمان قتل سانکارارا داده است.

این آدم که چترباز دوره دیده در فرانسه است، روز ۱۰ ژوئن وارد ساختمان تجارت جهانی که ۱۴۶ عضو آن در مورد وضعیت تجارت جهانی تصمیم‌گیری می‌کنند، می‌شود. در تئوری همه آنها با هم‌نظر هستند که هر کشوری باید محصولات خود را بدون محدودیت صادر نماید. اما در عمل و پس از سالها مذاکره و چانه‌زنی، هنوز هم کشورهای جهان سوم با توفه‌های گمرکی بسیار بالایی در کشورهای صنعتی روبرو هستند. کشورهای صنعتی سالانه ۳۲۰ میلیارد دلار سوبسید برای بخش کشاورزی خود می‌پردازند. آمریکایی‌ها به پنبه، ذرت و سویا. اروپائیان به شیر و شکر و ژاپن به برنج خود سوبسید می‌دهد. طی ۲۰ سال گذشته و در نتیجه تسلط کشورهای صنعتی بر سازمان تجارت جهانی کشورهای در حال توسعه نتوانسته‌اند سهم خود را در بازار جهانی افزایش دهند.

کومپاوره در حضور کمیته رایزنی سازمان تجارت جهانی و در مقابل خبرنگاران خواستار لغو همه سوبسیدهای پنبه در سراسر جهان است. چند کشور آفریقایی و جهان سومی نیز از این خواست حمایت می‌کنند و حتی یک ماه بعد وزیر امور توسعه آلمان، خانم ویچورک زویل، نیز از آن حمایت کرد.

بر اساس گمانه‌زنی دیپلمات‌های تجاری در کنفرانس سازمان تجارت جهانی که در ماه سپتامبر در کان‌کوم برگزار می‌شود، پنبه نقش مهمی را بازی خواهد کرد. احتمالا آمریکایی‌ها قدری عقب‌نشینی خواهند کرد که البته این نیز وابسته به میزان اعمال فشار کشورهای دیگر است.

روزنامه‌های اوآگادوگو پایتخت بورکینافاسو پر است از گزارش‌های مسافرت رئیس جمهور به مقر سازمان تجارت جهانی. بر مقبولیت کومپاوره بخاطر سخنرانی‌اش در سازمان تجارت جهانی همانند مقبولیت جرج‌بوش بخاطر امضای قانون بیل افزوده شده. هم در کشورهای قدرتمند و هم در کشورهای جهان سوم سیاست قوانین مشابه دارد، فقط ابزارها متفاوت هستند. رئیس جمهور آمریکا پول روی میز می‌گذارد و بقیه دنیا هم نمی‌تواند جلوی او را بگیرد. رئیس جمهور یک کشور آفریقایی هم قطعنامه صادر می‌کند و به این امید است که بقیه دنیا هم از او پشتیبانی کند.

این مقاله انگلی خلاصه شده است.

نگاهی بر تحولات جاری عراق

سیامک - ش

هر روز که می‌گذرد جامعه عراق بعد از سقوط رژیم بعث بیشتر در بحران، ناامنی و عملیات مسلحانه روزانه غرق می‌شود. تابلوی از فامه‌شده از جامعه عراقی بعد از جنگ، اصلا تابلویی مطلوب نیست و هنوز مخاطرات زیادی در کمین نشسته است.

سئوال این است: «چرا علیرغم نفرت مردم از صدام و تشکیل یک شورای حکومتی از نیروهای عراقی، جامعه عراق به مسیر تثبیت و استقرار خود گام برنمی‌دارد؟ به نظر من می‌توان جواب را در چند محور دسته‌بندی کرد:

۱ - به علت تاخیر در بازسازی تاسیسات زیربنایی و راه‌اندازی ضروریات زندگی روزانه

۲ - به علت حضور نیروهای بیگانه و اشغالگر

۳ - و بالاخره به این علت که شورای حکومتی تشکیل شده علیرغم تنوع بافت خود هنوز معرف اکثریت مردم عراق نیست و نتوانسته است به نوعی تمثیل اعتراض داخلی باشد.

که به نظر من باید مود دوم و سوم در مرحله کنونی از اهمیت و الویت بیشتری برخوردار گردند. که در اینجا به آن اشاره می‌کنم:

حضور نیروها بیگانه و اشغالگر

واقعیت این است که نفرت مردم عراق از صدام به خودی خود به معنای دادن مجوز به آمریکا جهت حمله به این کشور نبود. دشمن دشمن در این مورد به دوست بدل نشد و واقعیات نشان می‌دهد که نفرت مردم از صدام چه در جریان جنگ و چه بعد از آن هیچگاه به چنان روانشناسی‌ای فراتروئید که نیروهای اشغالگر، نیروی میلیونی مردمی را در پشت سر خود داشته باشند. اگر مردم در

ادامه در صفحه ۱۱